

آثار باستانی و هویت ملی

پرویز حسینی، کارشناس ارشد تاریخ

کشور عزیزمان ایران (در اوستا به صورت ائیریه = ایران = شریف، نجیب و اصیل)^۱ گرچه امروزه در بین ملت‌های جهان از کاروان ترقی عقب مانده است، اما تاریخی بس بزرگ و کهن دارد. هر فرد ایرانی همین که حداقل با فردوسی آشنا باشد، ممکن نیست که از تاریخ پرافتخار خویش بی‌خبر باشد.

قوم‌های قدیمی که به اوج قدرت رسیدند بسیارند اما از غالب آنان جز خاطره‌ای که بیل و کلنگ باستان‌شناسان می‌کوشد آن را زنده کند چیزی باقی نمانده است. تنها ایران است که بی‌اعتنا به سده‌ها و هزاره‌ها، مانند صخره‌ای محکم برپاست. در حالی که هنوز عده‌ی بسیاری آغاز زندگی اجتماعی در ایران را با نام آریایی‌ها می‌شناسند، اما براساس یافته‌های باستان‌شناسی قدمت هویت ایرانی به ده هزار سال پیش می‌رسد.^۲

آثار باستانی مرز تاریخ و روشن افسانه‌ها و واقعیت‌های زندگی بشر بوده است. هنگامی داستان‌ها و استوره‌ها به سخن درمی‌آیند که تاریخ و باستان‌شناسی خاموش باشند.^۳ از آن‌جا که به قول لانگ لوا محقق عالی‌قدر فرانسوی که می‌گوید: «تاریخ چیزی جز مدرک و سند نیست، بنابراین آثار باستانی به عنوان بزرگ‌ترین اسناد و مدارک بازگویی تاریخ ملت‌های باستانی به‌شمار می‌روند و نشانگر قدمت و هویت تاریخی یک ملت در

۱. دکتر بهرام فره‌وشی، ایران‌تویح، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴، صفحه‌ی ۱۱.

۲. مسعود جوادیان، «ایران باستان به روایت گیرشمن»، کتاب ماد (تاریخ و جغرافیا)، سال اول. شماره‌ی ششم و هفتم، تهران، اردیبهشت ۱۳۷۷، صفحه‌ی ۴۱-۴۰.

۳. جان هینلز، شناخت اساطیر ایران، برگردان ژاله آموزگار و احمد نفضلی، تهران و بابل، نشر کتابسرای بابل و نشر چشمه تهران، ۱۳۶۸، صفحه‌ی ۷.

میان سایر ملت‌های جهان هستند».

از میان ده‌ها باستان‌شناس که طی در سده‌ی کنونی (سده‌های ۱۹ و ۲۰ میلادی) به ایران آمدند، رومن گیرشمن فرانسوی از جمله پرکارترین آنان بود. وی چندین کتاب در زمینه‌ی تاریخ و باستان‌شناسی ایران به‌نگارش درآورده است که از جمله معروف‌ترین آنان کتابی تحت عنوان «ایران از آغاز تا اسلام» است. وی پس از سال‌ها اقامت در ایران و آگاهی از کاوش‌های انجام شده درباره‌ی کشورمان می‌نویسد: «امروزه سراسر محوطه‌ی ایران از نظر تحقیقات باستان‌شناسی بکر و دست‌نخورده باقی مانده است.^۱ وی هم‌چنین در پیش‌گفتار کتابش می‌نویسد: «آرزومندم ایرانیان آثار و ابنیه‌ی تاریخی را که شواهد گذشته هستند دوست بدارند و از این میراث خویش دفاع کنند».^۲

اگر خوانندگان این سطرها بدانند که فقط برای کشف رمز خواندن خطوط میخی و از جمله خط میخی پارسی باستان چند سده شرق‌شناسان متعددی از ملیت‌های مختلف تلاش نمودند تا این‌که بالاخره موفق شدند که تاریخ گذشته ر باستانی ایران را از حالت صرف افسانه و اساتیر خارج نمایند، آن وقت بدون شک به‌ارزش و اهمیت آثار باستانی خود اگر پاره‌سفالی باشد بیش‌تر واقف خواهند شد.

از نخستین روز آشنایی اروپاییان با خطوط میخی (سال ۱۶۱۸ میلادی) تا روز خواندن کتیبه‌های میخی متجاوز از دو‌یست سال سپری شد. این خطوط در اثر مساعی عده‌ای از دانشمندان از ملیت‌های مختلف و هم‌چنین زحمات و خدمات چندین نسل که در پاریس، لندن، بغداد، پترزبورگ، قازان، بُن گتینگن و سایر نقاط به‌مطالعه و تحقیق بر روی این کتیبه‌ها پرداختند، عاقبت خوانده شد. خواندن کتیبه‌های یادشده، یکی از موفقیت‌های بزرگ سده‌ی نوزدهم به‌شمار می‌رود و این موفقیت به‌ما امکان داده است تا با تمدن و فرهنگ بسیاری از ملت‌های جهان آشنا شویم.^۳

در میان باستان‌شناسان اروپایی آن‌که بیش از دیگران در زمینه‌ی کشف رمز خواندن خط میخی پارسی باستان تلاش کرد، یک افسر انگلیسی به‌نام «راولین سن» بود که در سال

۱. رومن گیرشمن، ایران از آغاز تا اسلام، برگردان محمد معین، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، صفحه‌ی ۱.

۲. همان، صفحه‌ی ۱۸.

۳. آ. داندایاماف، ایران در دوران نخستین پادشاهان مхамنشی، برگردان روحی ارباب، چاپ دوم، تهران، شرکت

انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳، صفحه‌ی ۱۶.

۱۸۳۵ میلادی در کرمانشاه کتیبه‌ی مشهور بیستون را کشف کرد. وی یازده سال تمام بر روی این کتیبه به مطالعه و تحقیق پرداخت. راولین سن می‌نویسد: «برای آن‌که بتوانم از کتیبه‌ی سه زبانه‌ی بیستون (زبان پارسی باستان، عیلامی و آکدی) رونوشت بردارم، مجبور بودم که با طناب خود را به‌صخره‌های کوه بیستون آویزان کنم، به طوری که هر لحظه احساس می‌کردم که ممکن است جانم را در این راه از دست بدهم»^۱.

در حالی که باستان‌شناسان کشورهای بیگانه سده‌ها برای کشف و شناخت تاریخ کشورمان از جان مایه می‌گذاشتند، آیا جای بسی تاسف نیست، اگر مردم ما به‌ارزش و اهمیت و در نتیجه حفظ آثار باستانی که هویت تاریخی نیاکانمان را به‌نمایش می‌گذارد واقف نباشند.

اگر در مجاورت پاره‌ای از این آثار سکونت داریم یا اگر ناخودآگاه به‌برخی اشیای تاریخی دست‌رسی پیدا می‌کنیم باید قبل از هر چیز بدانیم همان‌طوری که هر شخصی برای شناساندن خود یعنی هویت خویش به‌ارایه‌ی شناسنامه نیاز دارد، آثار باستانی نیز هویت یک ملت را در برابر دیگر ملت‌ها نمایان می‌سازد و لذا باید در حفظ و حراست آثار باستانی و تحویل آثار کشف شده به‌نهادهای مربوطه نظیر سازمان میراث فرهنگی درنگ نکنیم.

کلام آخر خطاب به‌نهادهایی نظیر سازمان میراث فرهنگی است که باید طوری عمل کنند تا هر فردی اگر به‌اشیای تاریخی دست‌رسی پیدا کرد، به‌جای ترس و واهمه، مطمئن باشد که طبق قوانین و مواد مدون شده در کتاب‌های مجموعه‌ی قانون میراث فرهنگی بهای آن را دریافت می‌دارد و به‌این ترتیب اشیای کشف شده‌ی تاریخی به‌جای موزه‌های کشورهای بیگانه، زینت‌بخش موزه‌های کشور خودمان می‌شود.

در این مقاله به‌اشیای تاریخی که در استان کرمانشاه کشف شده و به‌جهت حفاظت از آنها اقداماتی که باید در این زمینه انجام گیرد، اشاره شده است. امید است که با همکاری و مساعدت نهادهای ذی‌صلاح و مسئولان مربوطه، بتوانیم در جهت حفظ و حراست آثار تاریخی کشورمان اقدامات مؤثری انجام دهیم.

۱. همان، صفحه‌ی ۲۴-۲۶. ^۲ راولین سن، همانجا، ص ۲۴-۲۵.